

## نقش ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دل‌بستگی، و صمیمیت در پیش‌بینی طلاق

سیدمحمد حسینی بهشتیان\*

مزگان عطار\*\*

### چکیده

باتوجه به اهمیتی که ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دل‌بستگی، و صمیمیت می‌تواند در پیش‌بینی طلاق داشته باشد، هدف از نگارش این پژوهش بررسی نقش سبک‌های دل‌بستگی، صمیمیت، و ویژگی‌های شخصیتی زوجین در پیش‌بینی میزان طلاق کلیه زوج‌های متقاضی طلاق شهر تهران در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ بوده است. بدین منظور، جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه زوج‌های متقاضی طلاق شهر تهران در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ بوده است. نمونه موردنظر شامل ۳۲۲ نفر بود که به‌روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای از بین این جامعه انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش شامل سه پرسش‌نامه شخصیت (NEO) فرم بلند، پرسش‌نامه سبک‌های صمیمیت باگازوری، و پرسش‌نامه سبک‌های دل‌بستگی بود. تحلیل آماری نتایج نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دل‌بستگی، و صمیمیت ۴۱/۶ درصد از تغییرات طلاق را در سطح ۰/۰۱ پیش‌بینی می‌کنند. نتایج این پژوهش نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دل‌بستگی، و سبک‌های صمیمیت به‌صورت مثبت طلاق را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین با افزایش نمره فرد در ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دل‌بستگی، و سبک‌های صمیمیت، طلاق کاهش می‌یابد.

**کلیدواژه‌ها:** طلاق، ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دل‌بستگی، سبک‌های صمیمیت.

\* استادیار روان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی (نویسنده مسئول)، beheshtian.ir@gmail.com

\*\* کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، mojgan.atar1990@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۳



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

## ۱. مقدمه

تحولات اجتماعی دهه‌های گذشته در سطح جهانی نظام خانواده را با تغییرات، چالش‌ها، مسائل، و نیازهای جدید و متنوعی روبه‌رو کرده است. طی این مدت، خانواده به‌شکلی فزاینده به علل و عوامل متعدد و پیچیده‌ای در معرض تهدید قرار گرفته است. وقتی کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی، و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بیند، اعضای آن به تدریج احساس رضایت‌مندی خود را از دست می‌دهند. کاهش تدریجی رضایت‌مندی اعضای خانواده ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و درنهایت، واقعه حقوقی می‌شود که این گسستگی طلاق نامیده می‌شود. پایه‌های اساسی خانواده را سنت دیرینه ازدواج تشکیل می‌دهد (رفاهی و دیگران ۱۳۸۷). نهاد خانواده در دنیای کنونی، به‌طور گسترده‌ای طلاق را تجربه می‌کند. البته این بدان معنا نیست که خانواده در گذشته با این پدیده مواجه نبوده است، اما طلاق نیز مانند تمام پدیده‌های دیگر تغییر ماهیت یافته است. امروزه طلاق اغلب گزینش اختیاری افراد است و به‌نظر می‌رسد در مقایسه با گذشته، پدیده‌ای عادی و عملی به‌هنگام انگاشته می‌شود و به‌گونه‌ای روزافزون، اقدامی برای رهایی از تنش خانوادگی تلقی می‌شود. در اکثر جوامع، روشی پذیرفته و نهادینه‌شده برای پایان ازدواج است و ازدواج دیگر به مفهوم طی کردن تمام زندگی با یک شخص نیست، بلکه فرایندی چندمرحله‌ای است که نه تنها بر نحوه ارتباط افراد خانواده تأثیر می‌گذارد، بلکه لطمات شدیدی نیز به جامعه وارد می‌سازد.

پژوهش‌های متعدد نشان‌دهنده آثار و عوارض منفی جسمی، روانی، اخلاقی، و اجتماعی طلاق برای مردان و زنان مطلقه، فرزندان طلاق، و اجتماع است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اختلالات روانی در بین افراد مجرد، بیوه، جداشده، و طلاق‌گرفته بیش از افراد متأهل بوده و خطر طلاق برای ایجاد افسردگی بیش‌تر از بیوه‌شدن است (ظهیرالدین و خدایی‌فر ۱۳۸۲). از پی‌آمدهای طلاق بر زنان مطلقه می‌توان به کیفیت پایین زندگی (Fukuda et al. 2005)، فشار مسائل مالی (Bowman 2007)، نگرش اخلاقی منفی جامعه به زنان مطلقه (Amato 2008)، انزوای اجتماعی و کوچک‌تر شدن شبکه روابط اجتماعی آن‌ها و آسیب‌دیدن روابط اجتماعی آن‌ها به‌دلیل احساس ناامنی اجتماعی (رستمی و دیگران ۱۳۸۸)، گرایش به‌سمت مواد مخدر (ریاحی و دیگران ۱۳۸۶)، افسردگی بیش‌تر زنان مطلقه در مقایسه با مردان (صادقی و دیگران ۱۳۸۹)، و شیوع اختلال‌های جسمی و روحی، از جمله اعتیاد به مشروبات الکلی، خودکشی، ضعف قوای ذهنی، و رضایت کم‌تر از زندگی (Thompson et al. 2008) را نام برد.

افزایش نرخ طلاق در جهان و ایران باعث ایجاد نگرانی‌های مختلفی شده است، چراکه طلاق آثار و پی‌آمدهای متفاوتی از جمله پی‌آمدهای فرهنگی، اجتماعی، روانی، و اقتصادی دارد و زندگی خانواده از جمله فرزندان را در آینده متأثر می‌کند. به‌خاطر هزینه‌ها و آثار و پی‌آمدهای زیاد طلاق، بررسی و پیدا کردن علل و عوامل آن، و تلاش برای کنترلش ضرورتی انکارناپذیر است.

## ۲. بیان مسئله

پایه‌های اساسی خانواده را سنت دیرینه ازدواج تشکیل می‌دهد (رفاهی ۱۳۸۷). ازدواج از مهم‌ترین تجاربی است که زندگی شخص را متأثر می‌سازد (Hanler and Jenkoz 2005) و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارتباطاتی که خود انسان آن را ایجاد می‌کند، براساس تعامل بین دو جنس برای رسیدن به شادی و ارضای نیازهای جسمی، روانی، و عاطفی شکل می‌گیرد. باین‌حال، بعضی از این روابط گاهی اوقات نمی‌توانند به همه نیازهای فرد پاسخ دهند و ازدواجی که با شور و عشق و علاقه شروع شده به خشم و نفرت و تنهایی و، درنهایت، طلاق می‌انجامد (نصوحیان ۱۳۹۱). افزایش روزافزون طلاق در دنیای کنونی، هرچند که در مقیاسی کم‌تر، جامعه فعلی ما را نیز در بر گرفته است. در دهه اخیر، طلاق در کشور ما رشد زیادی داشته است و هم‌اکنون از هر پنج ازدواج در کشور یک مورد به طلاق می‌انجامد (به‌نقل از شفیعیان ۱۳۹۰). البته این آمار در کلان‌شهرها بسیار بیش‌تر است؛ مثلاً در تهران به‌ازای هر سه ازدواج یک طلاق (و در برخی از آمارها، از هر دو ازدواج یک طلاق) رخ می‌دهد؛ یعنی حدود سی درصد ازدواج‌ها در شهر تهران به طلاق منجر می‌شود (سازمان ثبت احوال کشور ۱۳۹۳). نارضایتی زن و شوهر از یکدیگر و نیز از هم‌گسیختگی کانون‌های گرم بسیاری از خانواده‌ها و تأثیرهای سوء این جدایی در افراد خانواده نیاز به رسیدگی و رفع این مشکل را مطرح کرده است.

عوامل زیادی وجود دارند که در تصمیم‌های مربوط به طلاق تأثیر می‌گذارند؛ زوج‌ها هم نیازهای شخصی و هم تأثیرهای اجتماعی و فرهنگی را با خود به درون ازدواج می‌آورند. با وجود این، ممکن است که مشکلات رابطه‌ای زمینه‌ساز اصلی همه مسائل باشند (Bernstein and Bernstein 1388). در عصر حاضر، به‌رغم افزایش آگاهی از نقش خانواده در جامعه و زندگی افراد، خانواده‌ها بیش‌تر از قبل دچار بحران و از هم‌گسیختگی‌اند. پژوهش‌ها تلاطم‌های خانوادگی و نارضایتی از روابط زناشویی را آشکار

می‌کند. آمارها نیز حاکی از افزایش طلاق و فروپاشی خانواده‌هاست. به عبارت دیگر، به‌رغم آگاهی زوجین از اهمیت عشق و علاقه، تفاهم و همکاری در روابط بین همسران و تأکید بر احترام متقابل، خانواده‌هایی مملو از تشنج فراوان دیده می‌شوند.

بررسی دلایل وقوع طلاق از راه‌های پیش‌گیری از این معضل است. شناخت عواملی که زمینه را برای بروز اختلافات زناشویی و جدایی فراهم می‌کند کلید اصلی کاهش مشکلات زناشویی و آمار طلاق در جامعه است. از طرفی، آگاهی از متغیرهای مؤثر بر طلاق می‌تواند باعث ارتقای کیفیت زندگی زناشویی، کاهش تعارضات زناشویی، و استحکام زندگی مشترک بین زوجین شود و مسلماً چنان‌چه ریشه‌ها و علل پدیده‌ای شناسایی شود، خود می‌تواند راه مقابله با آن یا جلوگیری از وقوع آن باشد.

ازدواج به‌عنوان یکی از رویدادهای مهم مرحله انتقال به بزرگ سالی، مقوله‌ای بسیار پیچیده است. هنگامی که کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی، و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بیند، اعضای خانواده به تدریج احساس رضایت‌مندی خود را از دست می‌دهند. این روند در ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و درنهایت، واقعه حقوقی طلاق می‌شود (عابدی و دیگران ۲۰۱۵).

تحقیقات نشان داده‌اند که سبک‌های دل‌بستگی که افراد در کودکی انتخاب می‌کنند می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر روابط آتی در بزرگ سالی (روابط با هم‌سالان، اعضای خانواده، معشوقه، یا همسر) باشد (Halat 2011; Hovardaoglu and Hatch 2008). دل‌بستگی پیوند هیجانی پایدار بین دو فرد است، به طوری که یکی از دو طرف کوشش می‌کند نزدیکی و مجاورت با موضوع دل‌بستگی را حفظ و به گونه‌ای عمل کند که مطمئن شود ارتباط ادامه می‌یابد (خانجانی، به نقل از عزیزی ۱۳۹۲). سبک‌های دل‌بستگی از منابع درون‌فردی هستند که می‌توانند سطوح تنش و ناتوانی را در موقعیت‌های ناگوار تعدیل کنند و آثار منفی تنش را کم‌رنگ‌تر جلوه دهند (Linley and Joseph 2004). پژوهش‌گران بر این باورند که مشکلات زناشویی در سبک‌های دل‌بستگی زوج‌ها ریشه دارند، چراکه دل‌بستگی پیوند عاطفی هیجانی نسبتاً پایداری است که نقش قدرت‌مندی در زندگی عاطفی بزرگ‌سالان دارد (Papalia 2002). به نقل از فخری و دیگران (۱۳۹۷). دل‌بستگی چهارچوبی فراهم می‌کند که به فهم دقیق و بهتر روابط زناشویی و شیوه‌های مقابله با تعارض زوجین کمک می‌کند (Kimberly and Baker 2008; Crowley 2006). دل‌بستگی مفهومی مهمی در مطالعات و درک شیوه‌های ارتباطی زوج‌هاست (Els et al. 2005; Kobak and Hazan 2009). سبک‌های دل‌بستگی در مواقع پراضطراب فعال می‌شوند. به عبارت دیگر، این‌که چگونه افراد

به‌صورت احساسی یا رفتاری به موقعیت یا مسئله واکنش نشان دهند به سبک دل‌بستگی آن‌ها برمی‌گردد. در این صورت، داشتن سبک دل‌بستگی نایمن این افراد را به‌سمتی می‌کشاند که رابطه عاشقانه خود را به‌صورت منفی تجربه کنند و در نتیجه، آن‌ها در حین مشکلات به‌سمت رفتارهای مخرب کشیده می‌شوند (Ajsi and Jaknuz 2011)، علاوه‌بر تأکیدهای نظریه دل‌بستگی، داده‌های پژوهشی تمایز آشکاری بین زوج‌های ایمن و نایمن نشان داده‌اند و چنین بیان می‌کنند که در زمینه سازگاری زناشویی، زوجین نایمن ضعیف‌ترین و کم‌ترین سازگاری و زوج‌های ایمن بیش‌ترین سازگاری را نشان می‌دهند (فخری و دیگران ۱۳۹۷).

صمیمیت یکی از نیازهای زندگی زن و شوهری است و درعین‌حال، از ویژگی‌های بارز هر زوج موفق و شادمان است (Bagarozzi 2001). صمیمیت فرایندی تعاملی است. محور این فرایند شناخت، درک، پذیرش، هم‌دلی با احساسات فرد دیگر، و قدردانی یا پذیرش دیدگاه منحصر به فرد دیگر از دنیاست. صمیمیت تنها یک تمایل یا آرزو نیست، بلکه یک نیاز اساسی و واقعی انسان است (زاهد بابلان و مرادی ۱۳۹۳).

روابط توأم با صمیمیت منبع مهمی برای شادی، احساس معنا، و رضایت زناشویی در زندگی است (ابراهیمی و دیگران ۱۳۹۰). صمیمیت احساس نزدیکی، تشابه، و رابطه شخصی عاشقانه یا هیجانی با شخص دیگر است و مستلزم شناخت و درک عمیق فرد دیگر به‌منظور بیان افکار و احساساتی است که به‌عنوان منشأ تشابه و نزدیکی به‌کار می‌رود (Bagarozzi 2001). صمیمیت در ازدواج بسیار بارز است، زیرا رابطه محکم زوجین در زندگی، به‌طور مثبتی سازگاری و رضایت زناشویی را به‌هم‌راه دارد (ابراهیمی و دیگران ۱۳۹۰). فردی که میزان صمیمیت بیش‌تری را تجربه می‌کند قادر است خود را به‌شیوه مطلوب‌تری در روابط عرضه و نیازهای خود را به‌شکل مؤثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. رضایت زناشویی می‌تواند در زوج‌هایی که میزان صمیمیت بیش‌تری دارند بیش‌تر باشد یا به‌عبارتی، زوج‌هایی که صمیمیت بیش‌تری دارند ممکن است قابلیت بیش‌تری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود داشته باشند و در نتیجه، رضایت زناشویی بیش‌تری را تجربه کنند (Patrik et al. 2007).

بسیاری از روان‌شناسان و خانواده‌درمان‌گران ویژگی‌های شخصیتی زوجین را مهم‌ترین عامل موفقیت و عدم موفقیت هر ازدواجی می‌دانند (امیدوار ۱۳۹۴). شخصیت نشان‌دهنده ویژگی‌های فردی است که الگوی رفتاری ثابت افراد را به‌نمایش می‌گذارد. شخصیت را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های نسبتاً پایدار و منحصر به فرد که می‌تواند در

موقعیت‌های مختلف تغییر کند تعریف کرد (بلوردی و دیگران ۱۳۹۴). یک رویکرد معتبر برای اندازه‌گیری صفات شخصیتی مدل پنج عامل بزرگ شخصیتی است. برون‌گرایی، توافق‌جویی، وظیفه‌شناسی، روان‌رنجور‌خویی، و گشودگی ابعاد اصلی مدل پنج‌گانه شخصیت هستند (Trull and Widiger 2013). در این طبقه‌بندی، افرادی که ویژگی‌های عاطفی مثبت یا برون‌گرایی دارند سرزننده و پرجنب‌وجوش و اجتماعی‌اند. افراد بسیار عصبی (روان‌رنجور) یا افرادی که احساسات منفی بالا دارند در روابط خود مضطرب و متزلزل‌اند. افراد با ویژگی‌های وظیفه‌شناسی بالا افرادی مسئولیت‌پذیر و متمرکز و سازمان‌یافته‌اند. افراد سازگار (توافق‌جو) افرادی متفکر، مهربان، و حامی‌اند. گشودگی نسبت به تجربیات (خرد) ویژگی‌های افراد مبتکر و خلاق است (Sodermans et al. 2016).

پدیده طلاق از مسائل عمده جوامع امروزی است که تمامی زندگی فعلی و آینده فرد را در بر می‌گیرد. این خود‌هشدار است برای جامعه ما که روزبه‌روز به تعداد افرادی که به دادگاه خانواده و مراکز خدمات روان‌شناسی و مشاوره‌ای مراجعه می‌کنند افزوده می‌شود. ولی تمهیدات جدی و پژوهش‌های کارساز که بتواند راه‌حل‌های مؤثر برای کاهش ناسازگاری منجر به طلاق عرضه کند انجام نگرفته است. شکست در ازدواج هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی، و هیجانی زیادی به بار می‌آورد، بر این اساس، شناخت و بررسی عواملی که منجر به استحکام بنیان خانواده و کاهش میزان طلاق در این نهاد اجتماعی می‌گردد می‌تواند اثری سودمند در ارتقای شاکله کلی این جامعه بگذارد. در واقع، چنانچه ریشه‌ها و علل پدیده‌های شناسایی شوند، راه مقابله با آن و جلوگیری از وقوع آن هموارتر می‌شود. بنابراین، برای گسترش ازدواج سالم در جامعه و کمک به حفظ و دوام زندگی زناشویی لازم است ریشه‌های پدیده طلاق شناسایی و از بین برده شوند. باتوجه به این‌که تا به حال در ایران پژوهشی به پیش‌بینی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دل‌بستگی، و صمیمیت در پیش‌بینی طلاق نپرداخته است، بنابراین، این پژوهش با هدف بررسی نقش سبک‌های دل‌بستگی، صمیمیت، و ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی طلاق لازم و ضروری است.

### ۳. هدف پژوهش

بررسی نقش سبک‌های دل‌بستگی، صمیمیت، و ویژگی‌های شخصیتی زوجین در پیش‌بینی میزان طلاق.

#### ۴. چهارچوب نظری

طلاق از جمله پدیده‌های اجتماعی است که از دیدگاه نظری واحدی قابل بررسی و تبیین نیست. در زمینه طلاق، نظریه‌های زیادی ارائه شده است که در ادامه به بررسی چند مورد از آن‌ها می‌پردازیم.

##### ۱.۴ نظریه هم‌سان‌همسری

هم‌سانی میان دو فرد نه تنها آنان را به سوی یک‌دیگر جذب می‌کند، بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوار می‌سازد. به‌سختن دیگر، ناهم‌سانی‌ها میان دو همسر سرچشمه کشمکش‌های خانوادگی است. به عقیده هیل (Hill)، افراد مایل اند همسری برگزینند که بیش تر هم‌سانشان باشد تا ناهم‌سانشان و چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت نگردد، احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و در نهایت جدایی می‌شوند. در مجموع می‌توان گفت که تقریباً تمامی نظام‌های همسرگزینی متمایل به ازدواج هم‌سان هستند که این خود می‌تواند نتیجه تمایل به معامله‌گری و مبادله ارزش‌های معنوی و دارایی‌های مادی باشد. نظریه هم‌سان همسری استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی‌های هم‌سان میان زن و شوهر می‌داند (فاتحی و دیگران ۱۳۹۰).

##### ۲.۴ نظریه طرح‌واره

برخی از محققان در بررسی علل طلاق به نقش طرح‌واره‌ها به‌عنوان عامل فردی و روان‌شناختی اشاره کرده‌اند (Cooper 2001). طرح‌واره‌ها موجب سوگیری تفسیر از رویدادها می‌شوند و این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی میان‌فردی (زوجین) به‌صورت سوءتفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف‌شده، گمانه‌های نادرست، و هدف‌ها و چشم‌داشت‌های غیرواقع‌بینانه خود را نشان می‌دهند (Pascal 2008). طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه الگوهایی با درون‌مایه‌های عمیق و فراگیرند که در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته و در بزرگسالی تداوم یافته‌اند، به رابطه فرد با خود و دیگران مربوط شده‌اند، و به شدت ناکارآمدند (Young 2007). یانگ مجموعه‌ای از طرح‌واره‌ها را بیان کرده که به آن‌ها طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه می‌گوید (Michiel et al. 2008). این طرح‌واره‌ها عبارت‌اند از: رهاشدگی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، محرومیت هیجانی، نارسایی/بی‌مهری، گوشه‌گیری اجتماعی/بیگانگی، وابستگی/بی‌کفایتی عملی، گرفتاری، شکست در پیشرفت، استحقاق/

بزرگ‌منشی، خویش‌داری و خودانطباقی ناکافی، اطاعت و احساس اجبار نسبت به واگذاری افراطی کنترل خود به دیگران، تأییدجویی و جلب توجه، نگرانی و بدبینی، بازداری هیجانی و رفتاری، و معیارهای سرسختانه. این باورها و طرح‌واره‌های مربوط به روابط میان‌فردی در بزرگ‌سالی در همسرگزینی و روابط زناشویی نمود پیدا می‌کند و تأثیر می‌گذارد (خسروی ۱۳۸۶).

### ۳.۴ نظریه توزیع قدرت

گاه بین زن و شوهر تضادی ایجاد می‌شود و هریک برای احراز منزلت خود و رسیدن به اهداف خویش، از طریق توسل به امکانات مالی، فرهنگی، و ... قصد تسلط بر دیگری را دارد. تداوم این وضعیت تنش و کشمکش بین زوجین را افزایش می‌دهد و درنهایت، به جدایی و طلاق آن‌ها منجر می‌شود (کاملی ۱۳۸۶).

### ۴.۴ نظریه شبکه‌ای

این نظریه هر نظریه غیرساختاری را که فرایندهای اجتماعی را ناشی از جمعی از کنش‌گران فردی، گرایش‌های شخصی، و هنجارهای درونی شده می‌داند رد می‌کند. یکی از چهره‌های مشهور نظریه شبکه، الیزابت بات (Elizabet Bot)، نقش‌های زن و شوهر را با میزان تراکم شبکه‌ای که زوجین بیرون از خانه برای خود حفظ می‌کنند هم‌بسته می‌داند. هرچه ارتباط ایشان با شبکه‌های خویشاوندان و دوستان و همسایگان نزدیک‌تر و هرچه این شبکه‌ها متراکم‌تر باشند، رابطه زن و شوهر به‌عنوان زوج زناشویی، تفکیک‌شده‌تر و بیش‌تر تابع سلسله‌مراتب است. عکس قضیه نیز صادق است؛ هرچه شبکه‌ها پراکنده‌تر باشند، نقش‌های مردانه و زنانه نشان‌دهنده جدایی و تفکیک‌اند. وی این نکته را در قالب فشارهای فرهنگی تبیین می‌کند. اگر زن و شوهر هر دو به شبکه‌ای متراکم تعلق داشته باشند و این شبکه‌ها حفظ شوند، ازدواج صرفاً به همین روابط موجود تحمیل می‌گردد، به‌نحوی که زوجین فقط به‌سوی فعالیت‌هایی که شبکه مجاز می‌داند کشانده می‌شوند. در این حالت، تفکیک خشک و انعطاف‌ناپذیر نقش‌ها امکان‌پذیر می‌شود، زیرا زوجین هر دو قادر به کسب حمایت از خارج از حیطه خانواده خواهند شد. بنابراین، نظریه شبکه بر روابط زوجین و شبکه خویشاوندی تأکید دارد و بیان می‌کند که هرچه روابط بین شبکه‌ای کم‌تر و سست‌تر باشد، زوجین وظایف خود را



بهرتر انجام می‌دهند. پس اگر شبکه قوی باشد، زوجین نمی‌توانند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند، چراکه باید براساس شرایط و روابط شبکه عمل کنند و دخالت دیگران را در زندگی خود قبول کنند. این مسئله می‌تواند زمینه بروز اختلافات را در خانواده فراهم آورد و خانواده در نتیجه دخالت دیگران، دچار انحلال شود. امکان دخالت افراد در زندگی زناشویی گویای نفوذ افراد مسن‌تر هم‌خون و تسلط شبکه روابط نسبی است (فاتحی دهاقانی و نظری ۱۳۹۰).

#### ۵.۴ نظریه ویسمن (Wiseman)

ریوا ویسمن روی ابعاد روان‌شناختی و عاطفی درونی طلاق تمرکز دارد. ویسمن پنج مرحله را برای طلاق پیش‌نهاد کرد:

۱. **انکار:** این مرحله مرحله قبل از پذیرش آگاهانه مشکلات ازدواج است و هنگامی روی می‌دهد که موضوعات تعارض‌برانگیز نادیده گرفته می‌شود یا به عوامل بیرونی نسبت داده می‌شود. برخی ازدواج‌ها چندین سال در مرحله انکار باقی می‌مانند.
۲. **فقدان و افسردگی:** این مرحله متعاقب زمانی است که بحرانی روی می‌دهد و همسران مجبورند بپذیرند که ازدواجشان مشکلات جدی دارد. واکنش‌های اضطراب و گناه به‌وسیله فقدان‌ها یا تنهایی قریب‌الوقوع برانگیخته می‌شود.
۳. **خشم و تردید:** این دو در مرحله بعدی تجربه می‌شوند، آن‌گاه تعاملات میان همسران بعضی مواقع انتقام‌جویانه، تنبیه‌گرایانه، یا حتی خشونت‌آمیز می‌شود. درعین‌حال، ممکن است همسران درباره آینده احساس ترس داشته باشند و میان حفظ ازدواج و قرارگرفتن در وضعیتی نامعلوم مردد باشند.
۴. **جهت‌گیری مجدد برای سبک زندگی و هویت:** به‌دنبال جدایی و بازشناسی حالت یک شخص مجرد را داشتن شروع می‌شود. این مرحله زمان رویارویی با واقعیت طلاق است و معرفی خود به‌عنوان کسی است که از ازدواج خارج شده و تصمیم می‌گیرد که چگونه زندگی کند و درباره روابطی که در آینده انتخاب خواهد نمود فکر می‌کند.
۵. **پذیرش و یک‌پارچگی:** حل نهایی طلاق را منعکس می‌کند و زمانی است که شخص طلاق گرفته خودش را بدون نیاز به استدلال یا دفاع کردن می‌پذیرد و پذیرش خود، گذشته، و دیگران جانشین خشم می‌شود. در طول هر مرحله مقدماتی، شخص می‌خواهد رابطه عاطفی تازه‌ای ابداع کند (ویسمن ۱۹۷۵؛ به‌نقل از عماری ۱۳۹۴).

#### ۶.۴ نظریه دل‌بستگی

اینزورث (Ainsworth) و بالبی (Bowlby) اعتقاد داشتند که سبک‌های دل‌بستگی متفاوت مدل‌های روانی متفاوتی را پرورش می‌دهد که در طول عمر ثابت است و روی روابط بعدی تأثیر می‌گذارد. یک دل‌بستگی ایمن زمینه مهمی را برای روابط عاطفی ایمن در آینده فراهم می‌سازد. دل‌بستگی در بزرگسالان به پیوند عاطفی قوی میان دو نفر مربوط است که آن‌ها را برمی‌انگیزد تا به رفتاری که رابطه‌شان را حفظ می‌کند متعهد باشند (عماری ۱۳۹۴). بزرگسالان ایمن از شریک رمانتیک خود به‌عنوان پایگاهی برای راحتی و امنیت استفاده می‌کنند. آن‌ها علائق، حمایت، و عاطفه خود را ارزش‌مندتر از سایر علائق می‌دانند و شریکشان را معتبر، دردست‌رس، و خوش‌نیت توصیف می‌کنند. بزرگسالان دارای دل‌بستگی ناایمن، که به آن‌ها بزرگسالان اجتنابی می‌گویند، به‌راحتی به دیگران اعتماد نمی‌کنند یا وابسته نمی‌شوند و تمایل دارند که در روابطشان شکاک باشند، فاصله عاطفی را حفظ کنند و از صمیمیت اجتناب نمایند (امیدوار ۱۳۹۴).

#### ۵. فرضیه پژوهش

سبک‌های دل‌بستگی، صمیمیت، و ویژگی‌های شخصیتی زوجین می‌توانند میزان طلاق در زوجین را پیش‌بینی کنند.

#### ۶. مروری بر پژوهش‌های پیشین

امانی، مجذوبی، و هادیان (۲۰۱۸) در پژوهشی نشان دادند که زنان مطلقه و زنان عادی در صفات شخصیتی روان‌نژندی و بازبودن به تجربه بسیار متفاوت‌اند. بنابراین، موفقیت یا شکست ازدواج می‌تواند براساس این دو ویژگی پیش‌بینی شود.

عزیزی و بیرانوند (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان دادند که سبک‌های دل‌بستگی با رضایت زناشویی رابطه معناداری دارند و حدود چهل درصد از تغییرات واریانس مربوط به رضایت زناشویی را تبیین می‌کنند.

هم‌چنین بیرامی و دیگران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای نشان دادند که بین سبک دل‌بستگی ایمن و رضایت زناشویی در میان کارکنان دانشگاه رابطه وجود دارد و سبک دل‌بستگی دوسوگرا بهترین پیش‌بین رضایت زناشویی به‌شمار می‌رود.

نتایج مطالعات حمیدی و دیگران (۱۳۹۵) بیان‌گر این نکته است که افراد دارای سبک دل‌بستگی ایمن از مشکلات زناشویی و بین‌فردی کم‌تر و سطح شادکامی بیش‌تری در مقایسه با افراد دارای سبک دل‌بستگی اجتنابی و دوسوگرا برخوردارند.

فاکر خراسانی و دیگران (۱۳۹۵) در پژوهشی به مقایسه ویژگی‌های شخصیتی در زنان متقاضی طلاق و زنان عادی پرداختند. یافته‌ها نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی موافق‌بودن و روان‌آزردگی (نوروزگرایی) در زنان متقاضی طلاق بیش‌تر و برون‌گرایی در آن‌ها کم‌تر بود؛ هم‌چنین در افراد متقاضی طلاق بیش‌تر از گروه عادی مشاهده شد.

زاهد بابلان و مرادی (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود نشان دادند که میانگین نمره‌های صمیمیت دو گروه زوجین عادی و درحال طلاق تفاوت معناداری داشته است.

رضایی و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان دادند که صمیمیت از عوامل مؤثر در ثبات و بی‌ثباتی ازدواج است.

شکرکن و دیگران (۱۳۸۹) در بررسی ویژگی‌های شخصیتی به‌عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست زندگی زناشویی دریافتند که تفاوت زوجین متقاضی طلاق در هر پنج ویژگی روان‌آزرده‌خویی، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، موافق‌بودن، و باوجدان‌بودن به‌طور معناداری بیش‌تر از زوج‌های عادی است. هم‌چنین دونلان، کانگر، و برایانت (Bryant et al. 2004) با اشاره به تحقیقات متعدد انجام‌شده، بر این نکته تأکید دارند که رضایت زناشویی بیش‌تر از همه از ویژگی‌های شخصیتی زوجین متأثر است.

بسیاری از تحقیقات مقطعی و طولی همواره نشان داده‌اند که ویژگی‌های شخصیتی با موفقیت رابطه زناشویی ارتباط دارند (Dyrenforth et al. 2010; Malouff et al. 2010; Decuyper et al. 2012).

مینوت و دیگران (Minnott et al. 2010) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که صمیمیت یکی از مؤلفه‌های مهم رضایت زناشویی است و روی سایر نقش‌های زوجین مانند نقش والدینی و نقش کار تأثیرگذار است.

هم‌چنین پژوهش‌ها بیان‌گر این واقعیت‌اند که وجود صمیمیت در بین زوج‌های متأهل از عوامل مهم ایجاد ازدواج پایدار است (Crawford and Unger 2008) و اجتناب از برقراری روابط صمیمانه از عواملی است که موجب شکست در زندگی خانوادگی خواهد شد (Bloom 2006). رضایت زناشویی می‌تواند در زوج‌هایی که میزان صمیمیت بیش‌تری دارند، بیش‌تر باشد (Patric et al. 2007).

## ۷. روش‌شناسی پژوهش

### ۱.۷ روش پژوهش

این پژوهش کمی، توصیفی، هم‌بستگی، و از نوع پیش‌بین است.

### ۲.۷ جامعه آماری، حجم نمونه، و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه زوج‌های متقاضی طلاق و عادی شهر تهران در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ است. برای انتخاب آن‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد، به این صورت که ابتدا از بین دادگاه‌های خانواده شهر تهران چهار مجتمع (مجتمع قضایی خانواده ۱، مجتمع قضایی خانواده ۲، مجتمع قضایی ونک، مجتمع قضایی شهید صدر) و از بین زوج‌های متقاضی طلاق در هر یک از این مجتمع‌ها، ۱۰۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند (باتوجه به احتمال ریزش نمونه و بی‌میلی تعدادی از افراد به همکاری، نمونه بیش‌تری انتخاب شد). دعوت‌نامه شرکت در تحقیق به ۴۰۰ نفر انتخاب‌شده داده شد. از بین این افراد ۳۲۰ نفر که تمایل به تکمیل پرسش‌نامه داشتند به‌عنوان نمونه نهایی پژوهش انتخاب شدند.

### ۳.۷ ابزار پژوهش

#### ۱.۳.۷ پرسش‌نامه پنج‌عاملی شخصیت (NEO) فرم بلند

پرسش‌نامه پنج‌عاملی شخصیت NEO از کاستا و مک کری (McCrae and Costa 1989-) (1992) به پرسش‌نامه شخصیت تجدیدنظرشده NEO (NEO-PI-R) و پرسش‌نامه پنج‌عاملی NEO FFI (NEO) توسعه پیدا کرده است (Rosellini and Brown 2010).

نسخه تجدیدنظرشده پرسش‌نامه شخصیتی NEO-PI-R نوعی پرسش‌نامه خودسنجی ویژگی‌های شخصیتی است که مبتنی بر یک الگوی معروف شخصیتی به‌نام مدل پنج‌عاملی است (فتیحی آشتیانی ۱۳۹۰) که هدف آن ارزیابی پنج بعد از FFM است:

الف) روان‌رنجورخویی (N): تمایل برای تجربه‌کردن عواطف منفی و پریشانی و غم‌روانی در پاسخ‌گویی به عوامل اضطراب‌آور.

ب) برون‌گرایی (E): درجه اجتماعی‌بودن، تهییج‌پذیری مثبت، و فعالیت‌های کلی

ج) گشودگی برای تجربه (O): سطوح حس کنجکاوی، قضاوت، و محافظه‌کاری  
د) توافق‌پذیری (A): نوع دوستی و هم‌دلی و تمایلات و گرایش‌های همکاری  
و) وجدان (C): سطح اول خودکنترلی در برنامه‌ریزی و سازمان است. فرض شده است که این پنج بُعد به‌طور متعامد نسبتاً با هم ارتباط دارند (روزالین و براون ۲۰۱۰).  
این نسخه حاوی ۲۴۰ ماده (۸ ماده برای هریک از ۲۰ جنبه یا ۴۸ ماده برای هریک از پنج حیطه) است. پاسخ‌گویان هریک از ۲۴۰ جمله را بر مبنای یک مقیاس لیکرت پنج‌قسمتی (کاملاً مخالفم = ۵، مخالفم = ۴، نظری ندارم = ۳، موافقم = ۲، کاملاً موافقم = ۱) درجه‌بندی می‌کنند (فتحی آشتیانی ۱۳۹۰).

این پرسش‌نامه را مک‌کری و کاستا در اصل برای جمعیت به‌هنجار تهیه کرده‌اند و طی دهه گذشته بیش‌ترین استفاده در کاربست‌های پژوهشی و بالینی را داشته است. ضریب آلفایی که آنان گزارش کرده‌اند ۰/۷۴ تا ۰/۹۸ با میانگین ۰/۸۱ متغیر بوده است. در حالی که در تحقیق بنچارد و دیگران (۱۹۹۹)، این ضرایب در روان‌آزرده‌گرایی ۰/۸۵، برون‌گرایی ۰/۷۲، در گشودگی ۰/۶۸، برای موافق‌بودن ۰/۶۹، و برای باوجدان‌بودن ۰/۷۹ بوده است (Eggert et al. 2007).

مک‌کری و کاستا (۱۹۸۹) اظهار می‌دارند که ابزار کوتاه‌شده (NEO-FFI) با فرم کامل آن تطابق دقیقی دارد، به طوری که مقیاس‌های فرم کوتاه هم بستگی بالای ۰/۶۸ را با مقیاس‌های نسخه فرم کامل پرسش‌نامه نئو دارند. در ایران نیز حق‌شناس (۱۳۸۷) روی نمونه ۵۰۲ نفری جمعیت شیراز به نتایج زیر رسید: ضرایب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۳ وجدان‌گرایی (مسئولیت‌پذیری)، ۰/۷۱ توافق‌پذیری، ۰/۵۷ گشودگی (تجربه‌گرایی)، ۰/۷۱ برون‌گرایی، ۰/۸۱ روان‌رنجوری و اعتبار آزمون مجدد در فاصله ۶ ماه برابر ۰/۵۳ روان‌رنجوری، ۰/۶ توافق‌پذیری، ۰/۷۶ گشودگی (تجربه‌گرایی)، ۰/۷۴ برون‌گرایی به دست آمد (روشن‌چسلی و دیگران ۱۳۸۵).

### ۲.۳.۷ پرسش‌نامه سبک‌های دل‌بستگی

این پرسش‌نامه شامل خود - ارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خود - توصیفی شیوه شکل‌دهی به دل‌بستگی‌های نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ ماده است که توسط علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت برای هر ماده (که از ۱ = اصلاً ویژگی من نیست تا ۵ = کاملاً ویژگی من است) سنجیده می‌شود. تحلیل عوامل ۳ خرده‌مقیاس ۶ ماده‌ای را مشخص می‌سازد. کولینز و رید بر پایه توصیف‌هایی که در

پرسش‌نامه دل‌بستگی بزرگسال هازن و شیور درباره سه سبک اصلی دل‌بستگی وجود داشت، مواد پرسش‌نامه خود را تدارک دیده‌اند.

زیرمقیاس اضطراب (anxiety) با دل‌بستگی نایمن دوسوگرا مطابقت دارد و زیرمقیاس نزدیک‌بودن یک بُعد دوقطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد (Finney and Noler 1992). بنابراین، نزدیک‌بودن در تطابق با دل‌بستگی است و زیرمقیاس وابستگی را می‌توان تقریباً عکس دل‌بستگی اجتنابی قرار داد (حمیدی ۱۳۸۲).

سبک دل‌بستگی ایمن با سؤالات ۱، ۶، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۷ و سبک دل‌بستگی اجتنابی با سؤالات ۲، ۵، ۷، ۱۴، ۱۶ و ۱۸ و سبک دل‌بستگی دوسوگرا با سؤالات ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵ و سنجیده می‌شوند (سؤالات ۲، ۷، ۸، ۱۳، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند).

### ۱.۲.۳.۷ روایی و پایایی پرسش‌نامه سبک دل‌بستگی

کولینز و رید (۱۹۹۰) نشان دادند که زیرمقیاس‌های نزدیک‌بودن، وابستگی، و اضطراب در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی ۸ ماه پایدار ماندند. باتوجه‌به این که مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است، میزان قابلیت اعتماد به‌دست‌آمده زیاد است.

در ایران نیز میزان پایایی با استفاده از روش آزمون - آزمون مجدد به‌صورت هم‌بستگی بین دو اجرا روی نمونه‌ای با حجم ۱۰۰ نفر آزمودنی نتایج حاصل از دو بار اجرای این پرسش‌نامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیان‌گر آن بود که تفاوت بین دو اجرای مقیاس‌ها A, D, C در RAAS معنادار نبوده است و این آزمون در سطح ۹۵٪ قابل‌اعتماد است، اما باتوجه‌به هم‌بستگی بین نتایج دو اجرا، زیرمقیاس A قابل‌اعتمادترین (F=۰/۷۵) است و در درجه بعدی، زیرمقیاس C قابل‌اعتماد است (F=۰/۷۵) و D کم‌ترین میزان پایایی را در بین این سه زیرمقیاس داشته است (F=۰/۴۷). ازسوی دیگر، با محاسبه آلفای کرونباخ مشخص گردید که زیرمقیاس اضطراب (A) بیش‌ترین پایایی (۰/۷۴) و وابستگی (D) کم‌ترین پایایی (۰/۲۸) را دارد و پایایی زیرمقیاس نزدیک‌بودن در حد متوسط (۰/۵۲) است که نتایج با بررسی از طریق بازآزمایی هماهنگ بوده است (حمیدی ۱۳۸۲).

به‌منظور بررسی پایایی پرسش‌نامه سبک‌های دل‌بستگی در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ برای هریک از خرده‌مقیاس‌ها محاسبه شد. نتایج حاکی از ضریب آلفای ۰/۶۲ برای سبک دل‌بستگی ایمن، ۰/۵۳ سبک دل‌بستگی اجتنابی، و ۰/۷۳ برای سبک دل‌بستگی دوسوگراست.

### ۳.۳.۷ پرسش‌نامه سبک‌های صمیمیت باگاروزی ( Marital Intimacy Needs ) (Questionnaire 2001)

یک ابزار ۴۱ سؤالی است که برای سنجش نه بعد صمیمیت زناشویی یعنی هیجانی، عقلانی، جسمانی، اجتماعی - تفریحی، زیباشناختی، جنسی، معنوی، روان‌شناختی، و صمیمیت در گذران وقت استفاده می‌شود. برای تعیین روایی محتوا و صوری، این پرسش‌نامه در اختیار ۱۵ نفر از استادان مشاوره و ۱۵ زن و شوهر قرار گرفت. آنان نظر اصلاحی خود را ارائه کردند و روایی محتوایی آن را تأیید کردند. سپس اصلاح نهایی پرسش‌نامه بر روی ۳۰ زن و شوهر اجرا شد. ضریب پایایی کل با روش کرونباخ  $0/93$  به‌دست آمد (اعتمادی و دیگران ۱۳۸۵). در این پرسش‌نامه، برای هر یک از ابعاد صمیمیت به‌جز بعد معنوی که ۶ سؤال دارد، ۵ سؤال برای ارزیابی در نظر گرفته شده است و در یک طیف ۱۰ گزینه‌ای از ۱ (ابتداً این نیاز در من وجود ندارد) تا ۱۰ (کاملاً این نیاز در من قوی است) درجه‌بندی شده است. برای هشت بعد صمیمیت نمرات عددی محاسبه شده که با جمع نمرات هر بعد، نمره صمیمیت کلی به‌دست می‌آید. کم‌ترین نمره ۴۱ و بیش‌ترین نمره ۴۱۰ است که پس از تبدیل به درصد کم‌تر از  $0/33$  صمیمیت کم و  $33$  تا  $66$  متوسط و بالای  $66$  صمیمیت بالا در نظر گرفته شد (متولی و دیگران ۱۳۸۸). در ایران، اعتمادی (۲۰۰۵) روایی هم‌زمان پرسش‌نامه سبک‌های صمیمیت باگاروزی را  $0/58$  به‌دست آورد. در مطالعه‌ای دیگر خمسه و حسینیان (۱۳۸۶) در تعیین پایایی پرسش‌نامه با روش بازآزمون، ضریب آلفای کرونباخ را برای صمیمیت عاطفی  $0/89$ ، صمیمیت روان‌شناختی  $0/82$ ، صمیمیت عقلانی  $0/81$ ، صمیمیت جنسی  $0/91$ ، صمیمیت فیزیکی  $0/80$ ، صمیمیت زیباشناختی  $0/76$ ، صمیمیت اجتماعی - تفریحی  $0/51$ ، صمیمیت معنوی  $0/65$  و برای صمیمیت کل  $0/82$  به‌دست آوردند. افزون‌برآن، برای تعیین روانی آزمون، این پرسش‌نامه هم‌راه با پرسش‌نامه صمیمیت زناشویی، هم‌زمان به‌وسیله ۳۰ زوج پاسخ داده شد، که ضریب هم‌بستگی بین نتایج دو آزمون صمیمیت بیان‌گر هم‌بستگی معنی‌دار  $0/65$  بود (خمسه و حسینیان ۱۳۸۷).

### ۴.۷ تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های جمع‌آوری شده از اعضای نمونه با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی هم‌چون میانگین، انحراف معیار، ماتریس هم‌بستگی، و رگرسیون چندمتغیری در نرم‌افزار SPSS-24 تجزیه و تحلیل شد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمرات زوج‌های متقاضی طلاق در متغیرهای پیش‌بینی‌کننده

متغیرهای پیش‌بینی‌کننده	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
روان‌رنجوری	۲۹/۱۱	۴/۰۷	۲۱	۷۰
برون‌گرایی	۴۱/۳۹	۴/۳۲	۱۶	۴۴
گشودگی	۳۶/۴۹	۴/۴۳	۳۴	۵۳
توافق‌پذیری	۴۴/۴۰	۴/۶۱	۲۶	۵۸
وظیفه‌شناسی	۴۸/۶۰	۴/۸۱	۲۷	۶۰
صمیمیت	۹۴/۷۸	۹/۹۸	۲۷	۶۰
سبک‌های دل‌بستگی	۹۷/۶۵	۹/۶۵	۶۹	۱۱۸

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار و حداقل و حداکثر نمرات در ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دل‌بستگی، و صمیمیت را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ماتریس هم‌بستگی طلاق با متغیرهای شخصیتی، دل‌بستگی، و صمیمیت زوج‌های متقاضی طلاق

طلاق	روان‌رنجوری	برون‌گرایی	گشودگی	توافق‌پذیری	وظیفه‌شناسی	سبک‌های دل‌بستگی	صمیمیت
طلاق	۱						
روان‌رنجوری	*۰/۶۳	۱					
برون‌گرایی	*-۰/۱۷۳	*-۰/۱۲۳	۱				
گشودگی	*-۰/۸۱	*۰/۱۲۷	*-۰/۲۷۷	۱			
توافق‌پذیری	*۰/۰۸۴	*-۰/۲۸۸	*۰/۴۹۰	۰/۰۹۵	۱		
وظیفه‌شناسی	۰/۱۵۹	*۰/۲۶۷	۰/۵۳۴	*۰/۵۰	۰/۲۶۰	۱	
سبک‌های دل‌بستگی	*-۰/۵۷۱	*۰/۳۵۲	۰/۲۲۸	*۰/۲۷۱	*۰/۰۵۳	*۰/۲۵۴	۱
صمیمیت	*-۰/۴۵۷	*۰/۰۷۸	*۰/۶۴۵	*۰/۰۵۳	*۰/۳۴۲	*۰/۱۸۰	۱

\*p<0/05

جدول ۲ نتایج هم‌بستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهشی را نشان می‌دهد. براساس نتایج، به ترتیب میزان اندازه متغیر روان‌رنجوری ( $r=0/63$ )، برون‌گرایی ( $r=-0/173$ )، گشودگی ( $r=0/81$ )، توافق‌پذیری ( $r=0/084$ )، سبک‌های دل‌بستگی ( $r = -0/571$ )، و صمیمیت ( $r=-0/457$ ) رابطه معناداری با طلاق دارند، اما وظیفه‌شناسی رابطه معناداری با طلاق ندارد ( $p>0/05$ ).



نقش ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های ... (سیدمحمد حسینی بهشتیان و مژگان عطار) ۱۰۳

جدول ۳. نتایج رگرسیون برای پیش‌بینی طلاق براساس ویژگی‌های شخصیتی، صمیمیت، و سبک‌های دل‌بستگی

سطح معناداری	آماره F	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب هم‌بستگی چندگانه	کل متغیرها
۰/۰۰۱	۱۸/۰۵	۰/۳۹۳	۰/۴۱۶	۰/۶۴۵	

جدول ۳ نتایج رگرسیون چندمتغیری به‌روشنی هم‌زمان را برای پیش‌بینی طلاق براساس ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت و سبک‌های دل‌بستگی نشان می‌دهد. باتوجه‌به جدول بالا، هم‌بستگی چندگانه بین ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت و سبک‌های دل‌بستگی با طلاق ۰/۶۴۵ است. میزان رگرسیون برای پیش‌بینی طلاق برابر با ۰/۴۱۶ است که نشان می‌دهد متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت و سبک‌های دل‌بستگی با هم می‌توانند ۴۱/۶ درصد از تغییرات طلاق را تبیین نمایند و باتوجه‌به مقدار آماره F و معناداری آن ( $F=18/05, P<0/001$ )، این مقدار تبیین معنادار است ( $P<0/001$ ) و فرضیه تحقیق تأیید می‌شود. برای این‌که مشخص شود هر کدام از مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیت و صمیمیت و سبک‌های دل‌بستگی چه مقدار سهم در پیش‌بینی طلاق دارند، باید ضرایب رگرسیونی آن‌ها مشخص شود (جدول ۴).

جدول ۴. ضرایب رگرسیونی بررسی مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت و سبک‌های دل‌بستگی در پیش‌بینی طلاق

سطح معناداری	آماره T	ضرایب استاندارد $\beta$	خطای استاندارد	ضرایب غیراستاندارد B	
۰/۰۰۱	۶/۵۳	-	۱۳/۹۰	۹۰/۸۶	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	۴/۲۴	۰/۲۸۹	۰/۱۶۰	*۰/۶۸	روان‌رنجوری
۰/۰۰۳	-۲/۱۹	-۰/۲۱	۰/۲۱	*-۰/۴۸	برون‌گرایی
۰/۰۴۲	-۲/۰۴	-۰/۱۵۴	۰/۱۶۳	*-۰/۳۳۳	گشودگی
۰/۰۰۶	۲/۷۹	۰/۲۱۸	۰/۱۶۲	*-۰/۴۵۳	توافق‌پذیری
0/418	-۰/۷۰۷	-۰/۰۵۹	۰/۱۶۷	-۰/۱۱۸	وظیفه‌شناسی
۰/۰۰۱	-۷/۹۸	-۰/۵۲۸	۰/۰۶۶	*-۰/۵۲۳	صمیمیت
۰/۰۰۴	-۲/۷۶	-۰/۲۳	۰/۲۳	*-۰/۴۳۲	سبک‌های دل‌بستگی

\*P<0/05

جدول ۴ نشان‌دهنده ضرایب رگرسیونی مربوط به متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی، صمیمیت، و سبک‌های دل‌بستگی و میزان تأثیر هریک از ابعاد ویژگی‌های شخصیتی، صمیمیت، و سبک‌های دل‌بستگی را در پیش‌بینی طلاق زوجین نشان می‌دهد. براساس نتایج جدول و باتوجه‌به ضرایب بتا، به‌ترتیب روان‌رنجوری ( $B=68/0, P=001/0$ )، صمیمیت ( $B=-0/45, P=0/006$ )، توافق‌پذیری ( $B=-0/48, P=0/03$ )، برون‌گرایی ( $B=-52/0, P=0/001$ )، سبک‌های دل‌بستگی ( $B=-0/432, P=0/004$ )، و گشودگی ( $B=-0/33, P=0/042$ ) سهم مهمی در تبیین طلاق دارند، بدین صورت که ۶۸ درصد توسط روان‌رنجوری، ۵۲ درصد توسط صمیمیت، ۴۸ درصد توسط برون‌گرایی، ۴۵ درصد توسط توافق‌پذیری، ۴۳ درصد توسط سبک‌های دل‌بستگی، و ۳۳ درصد توسط گشودگی پیش‌بینی می‌شود. هم‌چنین مؤلفه وظیفه‌شناسی با سهم ۱۱ درصد نمی‌تواند طلاق را به‌صورت معناداری پیش‌بینی کند ( $P=0/41$ ).

## ۸. بحث

هدف از این پژوهش بررسی نقش سبک‌های دل‌بستگی، صمیمیت، و ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی طلاق زوج‌های متقاضی طلاق و عادی شهر تهران بود. نتایج جدول ۲ در قالب رگرسیون چندمتغیری، به تأیید فرضیه نقش سبک‌های دل‌بستگی، صمیمیت، و ویژگی‌های شخصیتی پرداخته است. نتایج آماری نشان می‌دهد که میزان جهت رگرسیون این سه متغیر برای پیش‌بینی طلاق برابر با ۰/۴۱۶ بوده است؛ یعنی متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی، صمیمیت، و سبک‌های دل‌بستگی ۴۱/۶ درصد از تغییرات طلاق را پیش‌بینی می‌کنند. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های زارعان و سدیدپور (۱۳۹۶)، غفرانی‌پور و دیگران (۱۳۹۶)، فاکر خراسانی و دیگران (۱۳۹۵)، فلاحی و دلدار (۱۳۹۵)، محرابی و دیگران (۱۳۹۴)، عارفی و محسن‌زاده (۱۳۹۱)، شکرکن و دیگران (۱۳۸۵)، سو و دیگران (Su et al. 2018)، امانی و دیگران (۲۰۱۸)، فلد هوس و هینتز مارتین (Feld Hoss and Hintz 2015)، و روی (Roy 2010) هم‌سو بوده است. در تبیین این یافته می‌توان این‌گونه استنباط کرد که هرقدر تفاوت‌های ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دل‌بستگی، و صمیمیت زوجین کم‌تر باشد، پیش‌بینی شکست در رابطه زناشویی بیش‌تر خواهد بود. و برعکس، هرقدر تفاوت‌های ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دل‌بستگی، و صمیمیت زوجین بیش‌تر باشد، موفقیت در رابطه زناشویی بیش‌تر خواهد بود.

نتایج این پژوهش نشان داد متغیرهای شخصیت روان‌رنجوری ۶۸ درصد، برون‌گرایی ۴۸ درصد، توافق‌پذیری ۴۵ درصد، و گشودگی ۳۳ درصد می‌توانند طلاق را پیش‌بینی کنند و متغیر وظیفه‌شناسی با ۱۱ درصد توان پیش‌بینی طلاق را ندارد ( $p=0/48$ ). در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که زوج‌های موفق در مقایسه با زوج‌های متقاضی طلاق تشابه شخصیتی بیش‌تری دارند. در واقع، زوج‌های موفق به‌جای تفاوت در شخصیتشان معمولاً شباهت دارند و این شباهت در نیازها و شخصیت است که با موفقیت در رابطه زناشویی رابطه دارند و نه تکمیل آن‌ها. با توجه به این که شباهت در ویژگی‌های شخصیتی با موفقیت در رابطه زناشویی رابطه دارد، ممکن است پرسیم که چرا شباهت شخصیتی زوجین با موفقیت و تفاوت شخصیتی زوجین با شکست در رابطه زناشویی ارتباط دارد؟ حداقل دو امکان به‌نظر منطقی می‌رسد: اول همسران ممکن است شباهت در این ویژگی‌های شخصیتی را برای خوش‌بختی زناشویی مهم بدانند، چون شباهت باعث می‌شود که همسران احساس معتربودن بکنند. شناخت شباهت‌های مهم شخصیتی توسط همسران ممکن است به این ترتیب، موفقیت در رابطه زناشویی را افزایش دهد. امکان دوم این است که چیز ذاتی که در شباهت ویژگی‌های شخصیتی همسران وجود دارد این است که عملاً رابطه زناشویی موفق را فراخوانی می‌کند. مثلاً، هنگامی که زن و شوهر از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی مشابه باشند، ممکن است برای هم‌دیگر قابل‌پیش‌بینی‌تر باشند و همین ممکن است سوءتفاهم، تعارض، و درنهایت، شکست زناشویی را به حداقل برساند.

در میان ویژگی‌های شخصیتی، روان‌رنجوری ۰/۶۸ درصد توان پیش‌بینی طلاق را دارد که بالاترین متغیر از میان ویژگی‌های شخصیتی است. روان‌رنجورخویی یکی از صفات شخصیتی است که به‌دلیل آثار زیان‌باری که بر روابط زناشویی دارد مورد توجه مطالعات بسیاری قرار گرفته است. افراد روان‌رنجور بیش از دیگران به نگرانی، افسردگی، و ادراکات غیرطبیعی مبتلا می‌شوند (Wesdio and Cigrin 2013) در واقع، در افرادی که نمرات بالایی از این ویژگی را کسب می‌کنند، به‌هنگام مواجهه با شرایط مشکل‌ساز، توانایی حل مسئله کاهش می‌یابد و در نتیجه، با کاهش میزان رضایت و سازگاری زناشویی، احتمال جدایی و طلاق افزایش می‌یابد (روان‌رنجورخویی در درجه اول فرایندهای درون‌روانی افراد در زمینه روابط زناشویی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؛ کاهش کنترل تکانه‌های عصبی و تمایل به افکار منفی در افراد روان‌رنجور). یافته‌های اکثریت مطالعات بررسی شده در این مرور سیستماتیک نشان داد که روان‌رنجورخویی با رضایت زناشویی ارتباط منفی دارد و به‌عنوان یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های کاهش رضایت زناشویی مطرح است (صادقی و دیگران ۱۳۹۶؛

عاشوری ۱۳۹۴؛ صادقی و مزدهی ۲۰۱۶). به دنبال کاهش رضایت زناشویی، افزایش طلاق اتفاق می‌افتد. افراد برون‌گرا اجتماعی، دوستدار دیگران، پرهیجان، و قاطع در عمل و گفتارند و تمایل زیادی به فعالیت‌های گروهی دارند. با توجه به این که این ویژگی برون‌گرایی توانایی پیش‌بینی طلاق را دارد و با توجه به این مسئله که عامل برون‌گرایی با تعاملات اجتماعی سروکار دارد، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که زوج‌هایی که روابط بین‌فردی کم‌تری دارند و توجه چندانی اعمال نمی‌کنند، هنگامی که در رابطه زناشویی دچار مشکل می‌شوند، آسیب‌پذیرترند و دچار فرسودگی می‌شوند (کوهی و دیگران ۲۰۱۴). در خصوص ویژگی گشودگی در پیش‌بینی طلاق می‌توان این گونه نتیجه گرفت که افرادی که این ویژگی را دارند نسبت به افراد دارای ذهن بسته هیجان‌های مثبت و منفی را با شدت بیش‌تری تجربه می‌کنند. این افراد توانایی درک دنیای همسر و هم‌دردی با وی را به صورت بهتری اعمال می‌کنند که موجب می‌شود ازدواجشان کم‌تر به خستگی و فرسودگی و شکست گرایش پیدا کند (نادری و دیگران ۲۰۱۱). افراد توافق‌پذیر ویژگی‌هایی چون رک‌گویی، دیگر دوستی، هم‌راهی، دل‌رحمی، و تواضع دارند. چنین افرادی سازش‌یافته و کمک‌کننده‌اند و باور دارند که دیگران نیز کمک‌کننده هستند (رازقی و دیگران ۲۰۱۱). این ویژگی در روابط زناشویی موجب می‌شود زن یا مرد زوج خود را دوست بدانند و به وی کمک کنند که چنین وضعیتی موجب افزایش کیفیت زناشویی و دوری از شکست زناشویی و طلاق می‌شود. افراد با ویژگی وظیفه‌شناسی دارای پشتکار، نظم، قابلیت اعتماد، و اراده هستند. این عوامل موجب رونق روابط بین فردی آن‌ها می‌شود (یاسمین‌نژاد و دیگران ۲۰۰۱). در تبیین این که چرا این ویژگی توانایی پیش‌بینی معنادار معادله رگرسیون را ندارد، می‌توان نتیجه گرفت که ویژگی‌های دیگر قدرت بیش‌تری در پیش‌بینی دارند.

شیوه‌های دل‌بستگی افزون‌بر تأثیرگذاری بر ارتباط، عاملی مهم در شیوه‌گزینش همسران نیز به‌شمار می‌آید. در این پژوهش، سبک‌های دل‌بستگی ۰/۴۳ درصد می‌توانند طلاق را پیش‌بینی کنند. در پژوهش عزیزی و بیرانوند (۱۳۹۶)، به این نتیجه دست یافتند که سبک‌های دل‌بستگی با رضایت زناشویی رابطه معناداری دارند و حدود ۴۰ درصد از تغییرات واریانس مربوط به رضایت زناشویی را تبیین می‌کنند. این نتیجه با این یافته هم‌سوست، یعنی هرچه شباهت سبک‌های زوج‌ها بیش‌تر باشد، موفقیت در ازدواج نیز افزایش خواهد یافت. هم‌چنین افراد گرایش کم‌تری به برقراری ارتباط با زوجین نایمن دارند؛ در حالی که افراد نایمن، به‌ویژه اجتنابی‌ها، به زوجی با شیوه دل‌بستگی اجتنابی، کم‌تر از زوجی دوسوگرا گرایش دارند. زنان دوسوگرا نیز کم‌تر به سوی مردان اجتنابی

کشیده می‌شوند. کشش زنان دوسوگرا به مردان ایمن و دوسوگرا بیش تر است. بررسی‌ها نشان داده‌اند که مردان اجتنابی کشش بیش تری به سمت افراد ایمن و دوسوگرا دارند (Finney et al. 2010). هم‌چنین بیرامی و دیگران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای نشان دادند که بین سبک دل بستگی ایمن و رضایت زناشویی در میان کارکنان دانشگاه رابطه وجود دارد و سبک دل بستگی دوسوگرا بهترین پیش‌بین رضایت زناشویی به‌شمار می‌رود. نتایج مطالعات حمیدی و دیگران (۱۳۹۵) بیان‌گر این نکته است که افراد دارای سبک دل بستگی ایمن از مشکلات زناشویی و بین‌فردی کم تر و سطح شادکامی بیش تری نسبت به افراد دارای سبک دل بستگی اجتنابی و دوسوگرا برخوردارند. این یافته نشان می‌دهد که هرچه شباهت میان سبک‌های دل بستگی زوج‌ها بیش تر باشد، احتمال شکست در رابطه زناشویی و طلاق کم تر خواهد بود.

صمیمیت به‌عنوان یکی از متغیرهای پیش‌بین در این پژوهش توان پیش‌بینی ۰/۵۲ درصدی طلاق را دارد. این نتیجه این‌گونه تفسیر می‌شود که هرچه صمیمت میان زوج‌ها بیش تر باشد، شکست در رابطه زناشویی و طلاق کم تر اتفاق می‌افتد، چراکه به‌نظر می‌رسد فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کند قادر است خود را به‌شیوه مطلوب‌تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به‌شکل مؤثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. رضایت زناشویی می‌تواند در زوج‌هایی که میزان صمیمیت بالاتری دارند بیش تر باشد یا به‌عبارتی، زوج‌هایی که صمیمیت بیش تری دارند ممکن است قابلیت بیش تری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود داشته باشند و در نتیجه، رضایت زناشویی بالاتری را تجربه کنند (Patrick et al. 2007). این نتیجه با نتایج پژوهش‌های زاهد بابلان و مرادی (۱۳۹۳)، که در پژوهش خود نشان دادند میانگین نمرات صمیمیت دو گروه زوجین عادی و در حال طلاق تفاوت معناداری داشته است، و با نتایج پژوهش‌های رضایی و دیگران (۱۳۹۲)، که در پژوهشی نشان دادند صمیمیت از عوامل مؤثر در ثبات و بی‌ثباتی ازدواج است، نیز هم‌سو بود. هم‌چنین، پژوهش‌ها بیان‌گر این واقعیت هستند که برخوردارانی از صمیمیت در بین زوج‌های متأهل از عوامل مهم ایجاد ازدواج پایدار است (Crawford and Unger 2008) و اجتناب از برقراری روابط صمیمانه از عواملی است که موجب شکست در زندگی خانوادگی خواهد شد (Bloom 2006). رضایت زناشویی می‌تواند در زوج‌هایی که میزان صمیمیت بیش تری دارند بیش تر باشد (Patric et al. 2007). بنابراین، افزایش صمیمیت در میان زوجین می‌تواند باعث افزایش رضایت زناشویی و کاهش شکست در روابط زناشویی و طلاق در میان آن‌ها گردد.

## ۹. نتیجه‌گیری

از بررسی نتایج این پژوهش، که به نقش ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دل‌بستگی، و صمیمیت در پیش‌بینی طلاق پرداخت و نتایج دیگر مطالعات و پژوهش‌هاست، درمی‌یابیم که متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دل‌بستگی، و صمیمیت توانایی پیش‌بینی موفقیت یا شکست را در رابطه زناشویی دارند و می‌توان با آموزش و مشاوره در زمینه ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دل‌بستگی و صمیمیت در بین زوج‌ها مانعی در برابر شکست در ازدواج ایجاد کرد. از این رو، محققان و متخصصان حوزه خانواده باید از عواملی که بر کیفیت رابطه زن و شوهر تأثیر منفی می‌گذارند و باعث تقلیل کیفیت این رابطه و در نتیجه شکست و افزایش طلاق زناشویی می‌شوند جلوگیری کنند و برای آموزش هرآنچه بیش‌تر زوجین در زمینه تأثیر ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دل‌بستگی، و صمیمیت اقدام کنند تا از شکست زناشویی زوجین بکاهند و در صدد تأمین سلامت روانی و ذهنی افراد و جامعه سالم برآیند. برای رسیدن به این هدف، پیش‌نهاد می‌شود مراکز مشاوره در جهت شناخت بهتر زوجین از یک‌دیگر، از آزمون‌های روان‌شناختی برای شناسایی این ویژگی‌ها در هر زوج استفاده کنند تا ضمن شناخت هریک از ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دل‌بستگی و صمیمیت خود، ویژگی‌های زوج خود را نیز بشناسند و براساس آن رفتارهای مناسب را برای بهبود روابط زناشویی ایفا کنند. به همین منظور، برنامه شناسایی ویژگی‌های شخصیتی در مراکز مشاوره دولتی برای مشاوره پیش از ازدواج پیش‌نهاد می‌گردد. از محدودیت‌های این مطالعه می‌توان به کنترل نکردن/ نشدن متغیرهای دیگر بر طلاق از جمله متغیرهای جمعیت‌شناختی اشاره کرد و باتوجه به این‌که این پژوهش روی افراد عادی و متقاضی طلاق در شهر تهران انجام گرفته است، باید در تعمیم نتایج به مناطق دیگر جوانب احتیاط را مدنظر قرار داد.

## کتاب‌نامه

- دهقانی فاتحی، ابوالقاسم و علی محمد نظری (۱۳۸۹)، «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان»، فصل‌نامه مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۲۵.
- رفاهی، ژاله و محمود گودرزی، و مرتضی میرزائی چهارراهی (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج بین دختران و پسران از دیدگاه دانشجویان»، جامعه‌شناسی زنان، س ۳، ش ۱.

نقش ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های ... (سیدمحمد حسینی بهشتیان و مژگان عطار) ۱۰۹

- روشن چسلی، رسول و دیگران (۱۳۸۵)، «بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی "پرسش‌نامه شخصیتی ۵ عاملی نئو (NEO-FFI)"»، *روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، دوره ۱۳، ش ۱۶.
- ریاحی، محمداسماعیل و دیگران (۱۳۸۶)، «تحلیل جامعه‌شناسی میزان گرایش به طلاق شهرستان کرمانشاه»، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ۵، ش ۱۴۰.
- زارعان، منصوره و سمانه‌سادات سدیدپور (۱۳۹۶)، «فراتحلیل تحقیقات مربوط به طلاق: رویارویی عوامل فردی و اجتماعی»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۷، ش ۲.
- زاهد بابلان، عادل و مسعود مرادی (۱۳۹۳)، «مقایسه صمیمیت، گناشت و استحکام خانواده در زوجین عادی و درحال طلاق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه محقق اردبیلی.
- شکرکن، حسین و دیگران (۱۳۸۵)، «بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دل‌بستگی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی به‌عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در اهواز»، *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ۳، ش ۱۳، ش ۱.
- صادقی، منصوره‌السادات، رامین هاشمی گشنیگانی، و هاجر فلاح‌زاده (۱۳۹۴)، «مقایسه ناهم‌خوانی خودها در افراد متقاضی و غیرمتقاضی طلاق، *روان‌شناسی خانواده*، دوره ۲، ش ۱.
- ظهیرالدین، علیرضا و فاطمه خدایی‌فر (۱۳۸۲)، «بررسی نیم‌رخ‌های شخصیتی مراجعین طلاق به دادگاه خانواده تهران»، *فصل‌نامه فیض*، دوره ۷، ش ۱.
- عارفی، مختار و فرشاد محسن‌زاده (۱۳۹۱)، «پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس ارتباط و صمیمیت جنسی»، *فصل‌نامه مشاوره و روان‌درمانی، ویژه‌نامه خانواده و طلاق*، ش ۱.
- غفرانی‌پور، فضل‌الله، فرخنده امین شکروی، و رؤیا ترکاشوند (۱۳۹۶)، «رابطه عوامل جمعیت‌شناختی با رضایت زناشویی زوجین متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مجتمع قضایی خانواده شهرستان بروجرد»، *فصل‌نامه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت*، دوره ۵، ش ۱.
- فاکر خراسانی، حسین و دیگران (۱۳۹۵)، «مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و آزادیدگی جسمی و روانی در زنان همسرآزادیده، متقاضی طلاق و عادی، *پژوهش در پیشگی*، دوره ۴۰، ش ۳.
- فتحی آشتیانی، علی (۱۳۹۰)، *آزمون‌های روان‌شناختی*، ج ۱، تهران: بعثت.
- فخری، مریم‌السادات، راحله مهدویان فرد، و سیدعلی کیمیایی (۱۳۹۷)، «پیش‌بینی احتمال طلاق زنان براساس دل‌بستگی اجتنابی، دل‌بستگی اضطرابی و مهارت حل مسئله خانواده»، *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ش ۹، ش ۳۳.
- گلدنبرگ، ایزانه و هربرت گلدنبرگ (۱۳۹۶)، *خانواده‌درمانی*، ترجمه حمیدرضا حسین‌شاهی برواتی و سیامک نقشبندی و الهام ارجمند، تهران: روان.
- گیلبرت، آلن و جوزف گاگلر (۱۳۷۵)، «شهرها، فقر و توسعه»، ترجمه پرویز کریمی ناصری، تهران: شهرداری تهران.
- محبی، فاطمه (۱۳۸۸)، «آسیب‌شناسی اجتماعی زنان: طلاق»، *کتاب زنان*، ش ۱۲.

مرادی، امید (۱۳۹۲)، «مقایسه خصوصیات جمعیت‌شناختی، ویژگی‌های شخصیتی و کیفیت زندگی در زوج‌های عادی و زوج‌های در آستانه طلاق»، پژوهش‌های مشاوره، دوره ۱۲، ش ۴۵.

- Amani, R., M. Majzoobi, and K. Hadian (2018), "Comparing the Big-Five Personality Traits of Iranian Women in the Midst of Divorce and Women in the Normal State of Marriage, as Predictors of Divorce", *Journal of Divorce & Remarriage*, vol. 60, no. 2.
- Amato, P. R. et al. (2008), *Alone Together: How Marriage in America Is Changing*, Massachusetts, Harvard University Press Publication.
- Bloom, B. L., R. L. Niles, and A. M. Tatcher (1985), "Sources of Marital Dissatisfaction among Newly Separated Persons", *Journal of Family Issues*, vol. 6, no. 3.
- Decuyper M., M. De Bolle, and F. De Fruyt (2012), "Personality Similarity, Perceptual Accuracy, and Relationship Satisfaction in Dating and Married Couples", *Personal Relationships*, vol. 19, no. 1.
- Divorce and Women in the Normal State of Marriage as Predictors of Divorce* (2018), Published Online: 3 May 2018.
- Dyrenforth, P. S. et al. (2010), "Predicting Relationship and Life Satisfaction from Personality in Nationally Representative Samples from Three Countries: The Relative Importance of Actor, Partner, and Similarity Effects", *Journal of Personality and Social Psychology*, vol. 99, no. 4.
- Eggert, J., Alytia Levendosky, and K. Klump (2007), "Relationships among Attachment Styles, Personality Characteristics, and Disordered Eating", *International Journal of Eating Disorders*, vol. 40, no. 2.
- Feldhaus, M. and V. Heintz-Martin (2015), "Long-Term Effects of Parental Separation: Impacts of Parental Separation During Childhood on the Timing and the Risk of Cohabitation, Marriage, and Divorce in Adulthood", *Advances in Life Course Research*, vol. 26.
- Hembrecht, M. (2009), *The Role of Dysfunctional Relationship Beliefs in Relationship Satisfaction a Comparison of Singles with Satisfied and Less Satisfied Coupled People in their Endorsement of Irrational and Anxious Relationship Beliefs*, Master thesis, Faculty of Social and Behavioral Thesis, University of Utrecht.
- Kobak, R. R., K. Ruckdeschel, and C. Hazan (1994), *From Symptom to Signal: An Attachment View of Emotion in Marital Therapy*, S. Johnson and L. Greenberg (eds), *The Heart of the Matter: Perspective on Emotion in Marital Therapy*, New York: Brunner/ Mazel.
- Koohi S., O. Etemadi, and M. Fatehizadeh (2014), "The Relationship between Personality Characteristics, General Health, Contextual Factors, and Marital Dissatisfaction of Couples", *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*, vol. 4, no. 1.
- Malouff, J. M. et al. (2010), "The Five-Factor Model of Personality and Relationship Satisfaction of Intimate Partners: A Meta-Analysis", *Journal of Research in Personality*, vol. 44, no. 1.
- Ghofranipour, Fazlollah, Farkhondeh Amin Shokravi, and Roya Tarkashvand (2017), "The Relationship Between Demographic Factors and Marital Satisfaction of Couples Intended to Divorce Referred to Family Judicial Complex in Borujerd County", *Journal of Health Education and Health Promotion*, vol. 5, no. 1.



- McCrae, R. R. and Jr. P.T Costa (1989) "Rotation to Maximize the Construct Validity of Factors in the NEO Personality Inventory", *Multivariate Behavioral Research*, vol. 24, no. 1.
- Naderi, F., Z. Eetekhar, and S. Amolazadeh (2011), "Relationship between Personality Traits with Intimate Partner Relationships in Women with Addicted Husbands", *Journal Women Culture*, vol. 3, no. 9.
- Patrik, S. et al. (2007), "Intimacy, Differentiation and Personality Variables as Predictor of Marital Satisfaction", *The Family Journal*, vol. 15.
- Razeghi, N. et al. (2011), "Relationship between Big Five Personality Factors and Marital Satisfaction", *Journal Development Psychology*, vol. 7, no. 27.
- Rosellini, A. J. and Timothy A. Brown (2010), "The NEO Five-Factor Inventory: Latent Structure and Relationships with Dimensions of Anxiety and Depressive Disorders in a Large Clinical Sample", *Assessment*, vol. 18, no. 1.
- Roy, S. (2010), "Unemployment Rate and Divorce", Working Paper, University of Canterbury.
- Sadeghi A. and F. K. Mozhdehi (2016), "Surveying the Relationship between Personality Traits and Self-Esteem with Marital Satisfaction in Married Students of Islamic Azad University Students, City of Rasht, Guilan Province, Iran", *Scientific Research*, vol. 7, no. 5.
- Sadeghi, M. S. et al. (2016), "Couple's Personality Similarity and Marital Satisfaction", *Contemporary Psychology*, vol. 10, no. 2.
- Sodermans, A. K. et al. (2017), "Effects of Personality on Postdivorce Partnership Trajectories", *Journal of Social and Personal Relationships*, vol. 34, no. 7.
- South, S. and K. M. Lloyd (1995), "Spousal Alternatives an Marital Dissolution", *American Sociological Review*, vol. 60.
- Trull, T. J. and T. A. Widiger (2013), "Dimensional Models of Personality: the Five-Factor Model and the DSM-5", *Dialogues Clin Neurosci*, vol. 15, no. 2.
- Yasaminejad, P., M. Golmammadian, and L. Ebrahimi (2001), "Investigative the Relationship between Five Personality Traits and Marital Satisfaction in Married Women Widowed by Brother of Her Husband", *Journal Counseling and Psychotherapy Culture*, vol. 2, no. 7
- Young, Mark E. and Mark E. Young (2007), *Counseling and Therapy for Couples*, Brooks Cole Paperback.

